



مهرازه زرگر

صداپیشه و عروسک گردان:

با خواندن این قصه مدام به گذشته خود بازمی‌گشتم

در اولین مواجهه‌تان با کاراکتر «اوکاپی»، چه ویژگی‌هایی شما را جذب کرد و در ادامه چه چیزهایی را خودتان بر این کاراکتر افزودید؟

من زمانی که متن را خواندم، احساس نزدیکی زیادی با این کاراکتر داشتم، چرا که دقیقاً اتفاقی را بازتاب می‌داد که بیشتر نسل ما در مدارس با آن مواجه بودند و گاه حتی تا مقطع دبیرستان نیز این مسئله وجود داشت و هیچ‌گونه پذیرشی نسبت به تفاوت‌ها دیده نمی‌شد. اولین ویژگی مهم این قصه، همان پذیرش تفاوت‌ها بود. «اوکاپی» به دلیل ویژگی‌ها و شکل متفاوت بدنش، مرا به کودکی خودم برد. به یاد آوردم که چقدر در مدرسه بابت برخی مسائل، مثل خجالتی بودنم، یا اینکه نمی‌توانستم زود با بچه‌ها ارتباط بگیرم دقیقاً مانند اوکاپی اذیت می‌شدم و این موضوع همواره در ذهنم مانده و به همین قصه این نمایش برایم جذاب بود. من با خواندن این قصه مدام به گذشته خود بازمی‌گشتم. حتی اکنون نیز وقتی این نقش را بازی می‌کنم، دقیقاً به کودکی و دبستان خود بازمی‌گردم. اما قصه‌ای که خواندم، متفاوت‌تر از چیزی بود که در نهایت روی صحنه آمد. من به کاراکتر، علاوه بر خجالتی بودن، ویژگی‌هایی مانند شیطنت، تحس بودن و در عین حال توانمندی‌هایی را اضافه کردم. فکر می‌کنم همیشه چنین است و لازم است کمی به شخصیت بال و پر داده شود تا از متن به اجرا برسد. من سعی کردم با افزودن بازمی‌گشتن‌ها و جزئیاتی که خودم در ذهن پرداختم، این کاراکتر را بانمک‌تر کنم.

در گذشته، معمولاً صورت عروسک گردان پشت ماسک پنهان بود اما امروز این گونه نیست. این تغییر چه تأثیری بر مخاطب و بر خود عروسک گردان دارد.

امروزه چه در ایران و چه در جهان، آن شیوه قدیمی تا حدی منسوخ شده است. اکنون بسیار بهتر است که تماشاگر، علاوه بر صورت عروسک، میمیک و حالات بازیگر از جمله گریه، خنده، شیطنت یا اشاره‌های او را ببیند. زیرا گاهی کودک یا حتی بزرگسال متوجه نمی‌شود که عروسک چه گفت یا چه اتفاقی افتاد. اما وقتی میمیک من عروسک گردان را می‌بیند، به وضوح درمی‌یابد که متعجب شده‌ام، خندیده‌ام یا گریه کرده‌ام. خودم نیز به عنوان بازیگر بیشتر با این شیوه موافقم، زیرا انتقال احساسات برایم اهمیت دارد. همان‌طور که مشاهده کردید، من پیش از بسیاری از همکاران عروسکی ام از میمیک استفاده می‌کنم. به نظر من و بسیاری دیگر از دوستان در عرصه نمایش عروسکی، این روش خوشایندتر است و حس را بهتر به تماشاگر منتقل می‌کند.

آرین ناصری مهر

بازیگر:

در نگاه روانشناسی انسان گرا، کودک در انتخاب آزاد است

کاراکتر «پروفیسور گوزن» را در اولین برخورد چگونه دیدید و در ادامه پرداخت شخصیت چه تجربه‌ای داشتید؟

متأسفانه همیشه این حسرت با من بوده که خیلی دیر به گروه اضافه شدم. پیش از حضور من، دوستان مدت زیادی با عروسک‌ها تمرین کرده بودند و این مسئله به شکل ناخودآگاه به مهیا شدن بخشی از شخصیت پروفیسور گوزن کمک کرده بود. اما نکته روشن و مبرهن

برای ما چه در ایده، متن و شیوه اجرا این بود که پروفیسور گوزن یک شخصیت تسهیلگر دارد و معلمی به معنای کلاسیک نیست؛ بلکه قرار است نقش تسهیلگری را ایفا کند که کودکان را با توجه به توانایی‌های مختلفشان پرورش می‌دهد. قرار نیست این باغ تنها یک نوع گل داشته باشد، بلکه باید هر یک از کودکان به شکل‌های گوناگون بروز و بلوغ پیدا کنند. خوب در پایان نمایش و در بخش استعدادهای کاراکترها نیز این امر دیده می‌شود؛ هرچند شاید پررنگ نباشد، اما برای تماشاگر قابل درک است. به گونه‌ای که هر کودک متناسب با توانمندی‌های خود در این جشن پاییزی حضوری متفاوت دارد. توانایی‌ها و روحیات هر یک از کودکان فرق می‌کند و این همان نکته‌ای است که در یک تسهیلگر به معنای امروزی را ایجاد می‌کند. نگاه اولیه ما نیز بر این اساس شکل گرفت. چرا که خود من، خانم ناظری و بسیاری دیگر از دوستان و همکاران که در حوزه‌های مختلف مثلاً در هنرکده‌های کودک، مؤسسات، مدارس، و حتی هنرستان‌ها به عنوان تسهیلگر فعالیت داریم با این مفهوم آشنا هستیم که باید به هر فرد کمک کنیم مسیر شخصی خود را پیدا کند. به نظر من این ایده اصلی بود که کاراکتر و قصه «اوکاپی» نیز بر پایه آن شکل گرفت.

حال به وجه فانتزی این کاراکتر روی صحنه بازگردیم، وجهی که گاه او را در قالب یک شو من نشان می‌دهد و گاه معلمی خلاق و منطقی.

واقعیت این است که بخشی از دلایلی که باعث شد من برای این نقش انتخاب شوم، احتمالاً به تخصصم در حوزه آموزش مربوط می‌شود. چرا که دکترای نخست من در رشته تئاتر و دکترای دومم که هنوز به پایان نرسیده، در رشته مدیریت آموزشی با گرایش روانشناسی تعلیم و تربیت است. همین مسیر تحصیلی و کاری باعث شد من برای این نقش انتخاب شوم چون احساس می‌کردیم شاید من بتوانم این کاراکتر را پیدا کنم. در تعریف ساده، تسهیلگر کسی است که در هر لحظه شعبده و جادویی دارد برای اینکه کودکان را با خود همراه کند. در نگاه روانشناسی انسان گرا، که ما به آن پایبندیم و با همان رویکرد به قصه و نمایش می‌نگریم، انسان‌ها در آموزش کاملاً آزادند و کودک نیز آزاد است که مسیر خود را انتخاب کند. این بینش دموکراتیک، هرچند گاهی برای خانواده‌ها ترسناک به نظر می‌رسد، اما خوشبختانه امروزه بسیار گسترش یافته است. پدر و مادرهای امروز حتی هنگام ثبت نام فرزندشان در مهدکودک، درباره این موضوع سؤال می‌کنند و می‌پرسند آیا نگاه شما انسان‌گراست یا خیر. این امر نشان می‌دهد که طی ده سال اخیر تغییر بزرگی رخ داده و دست‌کم در نظام آموزشی خصوصی، این نگاه رواج بیشتری یافته است. از آنجا که تعریف تسهیلگر این است که هر لحظه باید جادویی داشته باشد چه یک شوخی کوچک، چه یک بازی ساده که به فعالیتی بویا تبدیل می‌شود، همین موضوع برای ایفای نقش پروفیسور گوزن اهمیت داشت و به شخصیت او عمق بیشتری بخشید. حال که همه چیز انتخابی است، هیچ کودکی مجبور نیست به درس گوش دهد یا حتی سر کلاس بنشیند. این مسئله برای جامعه‌ای که به نظام آموزشی قدیمی و کلاسیک خو گرفته، که بیشتر رویکردی رفتارگرا داشت، شاید عجیب باشد. اما امروزه تسهیلگر، کودکان را آزاد می‌گذارد. این نگاه، در فضای فانتزی نمایش نیز بازتاب یافته است. می‌توان گفت پروفیسور گوزن با شوخی‌ها، فانتزی‌ها، سرزندگی و دیوانگی‌اش که نمادی از زنده بودن کودک درون اوست همان‌طور که اریک برن در نظریه خود مطرح می‌کند، سه گانه «کودک، والد و بالغ» را در تعادل نگه می‌دارد. به موقع کودک می‌شود، به موقع جدی است، به هنگام نکته‌هایی را بیان می‌کند و در زمان مناسب وارد می‌شود. هرگز درس‌ها را برای کودکان اسپویل نمی‌کند؛ بلکه اگر جایی برای تجربه وجود داشته باشد، اجازه زیستن و تجربه کردن می‌دهد. در مفهوم خلاقیت نیز همین نگاه



وجود دارد. ما همواره می‌گوییم کودکان خلاق هستند، اما در عمل این ما بزرگسالان هستیم که جسارت خلاق بودن را از آن‌ها می‌گیریم. بنابراین برای پرورش خلاقیت، کافی است عوامل بازدارنده را از زندگی کودک حذف کنیم. کاراکتر پروفیسور گوزن نیز دقیقاً بر همین نگاه استوار است.

امیر افسرشیبانی

صداپیشه و عروسک گردان:

سعی می‌کنم جای عروسک‌ها زندگی کنم

در این نمایش صدا پیشه سه کاراکتر هستید. رسیدن به این توانایی در صداسازی از کجا آغاز شد؟

من از سال ۱۳۸۹ بازیگری را شروع کردم و اولین کار من در حوزه عروسکی بود. شاید از روی اتفاق و قسمت، همانجایی که گرفتم که باید با مبحث صداسازی به طور جدی آشنا شوم. استادان من، خانم نوایی، آقای عربزاده و آقای وزیری، همگی بسیار توصیه می‌کردند که در کلاس‌های سلفژ و صداسازی شرکت کنیم. همین روند برای بازیگری ما بسیار مثبت بود. تا اینکه دو سال پیش در نمایش «قورباغه و غریبه» با خانم ناظری آشنا شدم و پس از آن نیز برای جشنواره سال گذشته پیشنهاد همکاری در این اثر را دادند. ایشان علاقه داشتند با تعداد عوامل محدود کار کنند و پیشنهادشان این بود که من چند عروسک را بگردانم. درباره این موضوع با هم گفت‌وگو کردیم و حدود ۱۰ تا ۱۵ صدا را با هم اتود زدیم. در نهایت، خانم ناظری به عنوان کارگردان، این صداها را پذیرفت و از آنجا کار من به طور جدی‌تر آغاز شد. سعی کردم صداها را هم از نظر حسی و هم شخصیتی تقویت کنم تا سه عروسکی



که اکنون می‌گردانم، برایم ملموس‌تر شوند و بتوانم ویژگی‌هایشان را در صدا اعمال کنم.

آیا هنگام صداسازی برای عروسک‌ها، از طریق ویژگی‌های خاص کاراکتر به صدایش می‌رسید یا عوامل تکنیکی بیشتر در این مسئله دخیل هستند؟

من بیشتر عمر تئاتری ام را در بازیگری گذرانده‌ام و حدود دو سال است که کارگردانی هم می‌کنم. در نتیجه، برای هدایت بازی با بچه‌ها کار کرده‌ام. روش من این است که باید با عروسک‌ها زیست کنم. خودم را جای عروسک می‌گذارم، حتی از مادرم کمک می‌گیرم و می‌پرسم در کودکی چه به من می‌گفت و من چه جوابی می‌دادم. سن و سال عروسک‌ها، رفتار و خصوصیاتشان را در نظر می‌گیرم تا بدانم چه چیزی باید به کودک ارائه شود. چون ما مجبوریم باورپذیر باشیم، یکی از سختی‌های کار ما در عرصه عروسکی همین است که عروسک باید تا حد امکان برای کودکان و خانواده‌ها باورپذیر و زنده باشد. من سعی می‌کنم جای عروسک‌ها زندگی کنم و ببینم در آن لحظه چه اتفاقی می‌افتد.

از میان این سه عروسک، صدای کدام یک راحت‌تر شکل گرفت؟

فکر می‌کنم طوطی راحت‌تر بود. این کاراکتر تا حدی به شخصیت خودم نزدیک‌تر است و به همین دلیل نخستین شخصیتی بود که هم از نظر صدا و هم از لحاظ کاراکتری، به‌ویژه در زمینه شیطنت‌ها که بسیار به خودم نزدیک بود، زودتر شکل گرفت. اساساً به همین دلیل، طوطی را در نمایش بسیار دوست دارم. پس از آن، آفتاب‌پرست و در نهایت نیز اسب آبی که قصه‌اش با ویژگی‌هایی همچون ورزشکار بودن و توانمندی‌های خاص تکمیل گردید.